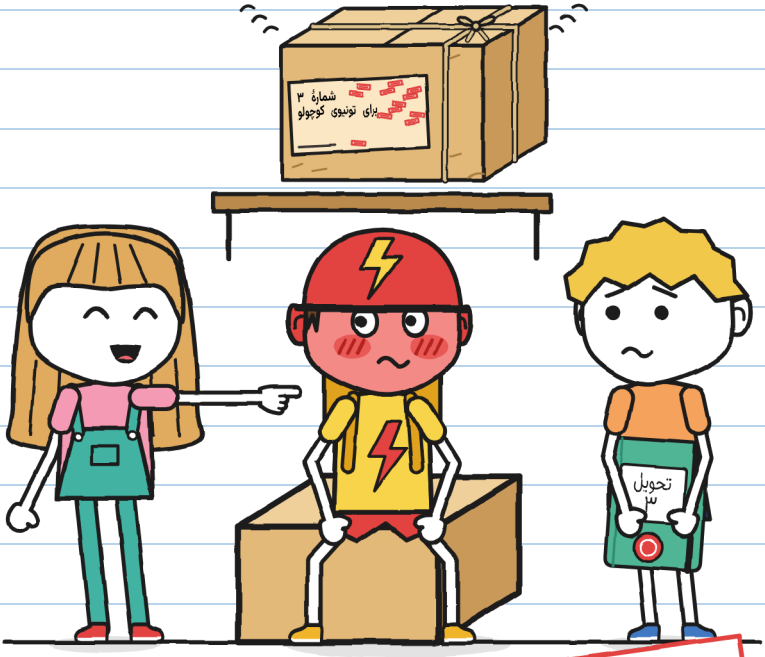
تحویل‌های غیرممکن ۳۰

برگشتی، لطفا

LinguAula



(رفته گاس)

اندازه L
سطح پیشرفته ۱۱۰+

تحویل‌های غیرممکن · 3
برگشتی، لطفا

متن و تصویرها: LinguAula

اندازه L · سطح پیشرفته · ۱۱+

نسخهٔ فارسی: LinguAula

چاپ اول: 2026

© 2026 LinguAula · info@linguaula.com

فتوکپی آن آزاد است، برای کلاس و برای خانه.

کتاب سوم از این مجموعه. کتاب‌های پیشین: «این بسته گاز می‌گیرد» و «پیش از رعد باز نکنید».

LinguAula

هر فصل را در linguaula.com تمرین کن

هنگام نوشتن این کتاب هیچ بیکی آسیب ندید. سرخ شدن، چرا. — خ.



و اول من آن را می‌خوانم. — خ.

اگر این را پیدا کردی، برش گردان. لطفا.

فقط در داستان

این مُهر چیزی را نشان می‌دهد که فقط در داستان اتفاق می‌افتد: بسته‌های واقعی پرواز نمی‌کنند و برنمی‌گردند. با دوچرخهٔ واقعی، از صفحهٔ ۷۶ پیروی کن. — خ.

کی کیست؟



گاس. پیک شنبه‌ها. چیزهایی می‌کشد که کسی از او نخواسته. این دفتر مال اوست.



خولیتا. با رنگ سبز می‌نویسد و با «خ.» امضا می‌کند. همیشه می‌داند چطور کمک کند. مشکل همین است.



تونیو. با دوچرخه برای برق‌آسا پیک است. در ده دقیقه، وگرنه رایگان. تکه‌تکه سرخ می‌شود.



مارا. صاحب «تحویل‌های غیرممکن». کلاه جادوگر سرش می‌گذارد. بیشتر از آنچه می‌گوید می‌داند.



زوئه. از برق‌آسا. از همه تندتر. او لقب‌ها را می‌گذارد.



برونو. از برق‌آسا. یک بار پنچر شد. دو سال پیش.



بستهٔ شمارهٔ ۳. وقتی تکانش بدهند صدا می‌کند. روی برچسبش فقط یک اسم نوشته شده است.

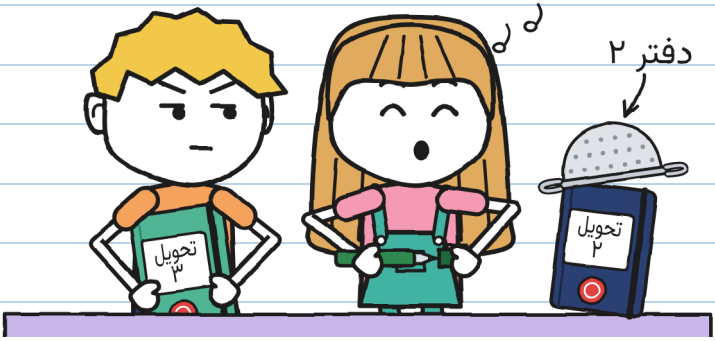


ر. بسته‌هایی را می‌فرستد که هیچ‌کس نمی‌تواند تحویل بدهد. هیچ‌کس اسمش را نمی‌گوید.

دفتر تحویل ۳
مال گاس

محرمانه.

«محرمانه» یعنی اینکه اول من آن را می‌خوانم. و به هیچ کس نمی‌گویم. — خ.



دفتر ۲ در یک طوفان تمام شد. این یکی سبز است و مُهر مغازه را دارد. قرار بود من اول از آن استفاده کنم. خولیتا کرد.

اول من استفاده کردم تا کثیف کنم. خواهش می‌کنم. — خ.

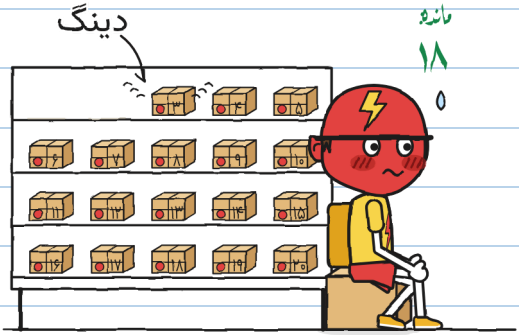
من از او کمک نخواسته بودم. ولی با خولیتا فرقی نمی‌کند.

فصل 1

دینگ

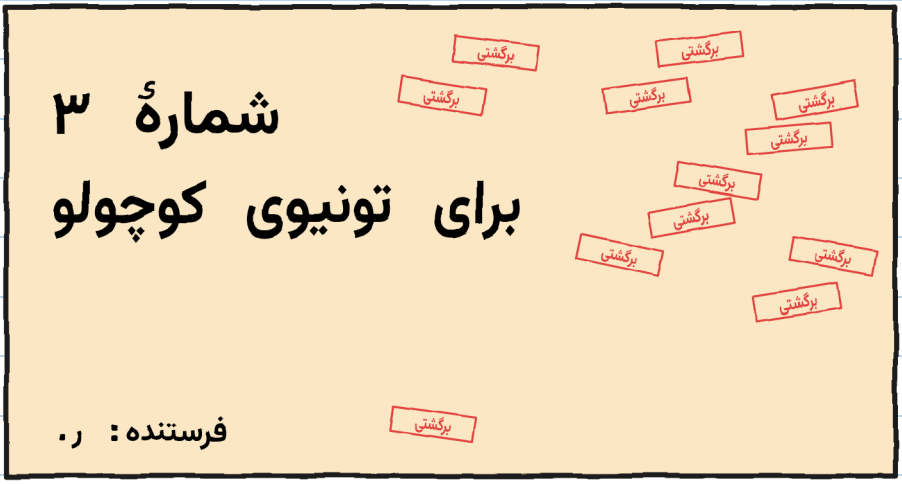
در مغازهٔ مارا یک قفسه هست با بسته‌هایی که هیچ‌کس نتوانسته تحویلشان بدهد. بیست تا بودند. من و خولیتا دو تا را تحویل داده‌ایم: یک تخم اژدها و چند دانه که می‌دویدند. هجده تا مانده است.

شب طوفان، وقتی داشتیم به خانه می‌رفتیم، یکی از آن‌ها صدا کرد.
دینگ.



شمارهٔ ۳ بود. و تونیو، که برای برق‌آسا در ده دقیقه تحویل می‌دهد، وگرنه رایگان، به رنگ کلاه ایمنی‌اش درآمد.

برگشتی‌ها بسته‌هایی هستند که همیشه برمی‌گردند: اگر کسی که آن‌ها را می‌گیرد برچسب را با جوهری که پاک نمی‌شود امضا نکند، سپیده‌دم پرواز می‌کنند و به قفسه‌شان برمی‌گردند. همه را یک نفر می‌فرستد: ر.



خولیتا شروع کرد به خواندن برچسب:

«برای تون...»

و دهانش را بست. خولیتا هیچ‌وقت وسط یک کلمه ساکت نمی‌شود. به تونیو نگاه کردم و فهمیدم چرا.

نصفش را خواندم. نصف دیگرش را قورت دادم. — خ.

بعضی‌ها یکباره سرخ می‌شوند. تونیو نه: تونیو تکه‌تکه سرخ می‌شود. یادداشتش کردم.

سرخ‌سنج تونیو



تونیو، خیلی تند، گفت: «آن بسته می‌تواند صبر کند.
سال‌هاست صبر می‌کند، مگر نه؟ پس یک روز بیشتر. یا ده روز.
برق‌آسا عجله ندارد.»
اولین بار بود که می‌شنیدم برق‌آسا این را می‌گوید.

آن شب: ۴. من با رنگ قرمز یادداشتش می‌کردم. فقط سبز دارم. — خ.

مارا گفت: «امشب هیچ‌چیز باز نمی‌شود. و به قفسه بدون اجازه دست نمی‌زنیم.»
هیچ‌کس به آن دست نزد. و بعد دوباره صدا کرد.
دینگ.
خولیتا گفت: «از طرف در بود!»

وقتی چیزی را نمی‌فهمم، فهرست می‌نویسم.

مظنون‌های دینگ



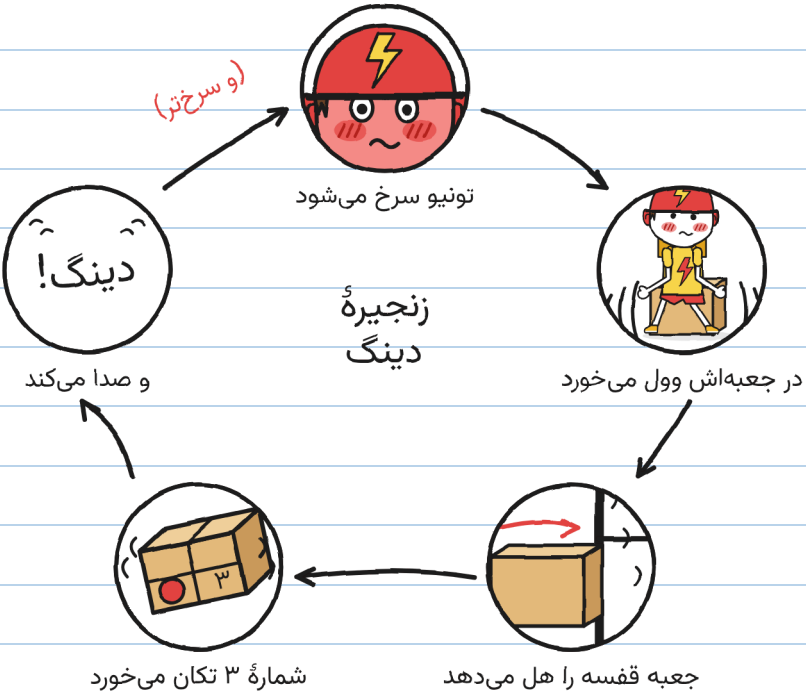
قورباغه بی‌گناه است. من می‌شناسمش. — خ.

به پیاده‌رو رفتم تا امتحان کنم. دیگر باران نمی‌آمد.
در را باز و بسته کردم: جیییغ. زنگ دوچرخهٔ تونیو را زدم: ترینگ!
قورباغه را فشار دادم: جیک.



داخل، خولیتا با انگشتش به من می‌گفت نه. هیچ‌کدام نبود.
دوباره رفتم تو. تونیو در جعبه‌اش وول خورد.
دینگ.

خم شدم. جعبهٔ تونیو به پایهٔ قفسه تکیه داده شده بود.



جادو نبود. تونیو بود.

توی شمارهٔ ۳ چیزی هست که وقتی تکانش می‌دهند صدا می‌کند.

مثل خودم. — خ.

تونیو تصمیم گرفت بی‌حرکت بماند. این‌قدر طول کشید:

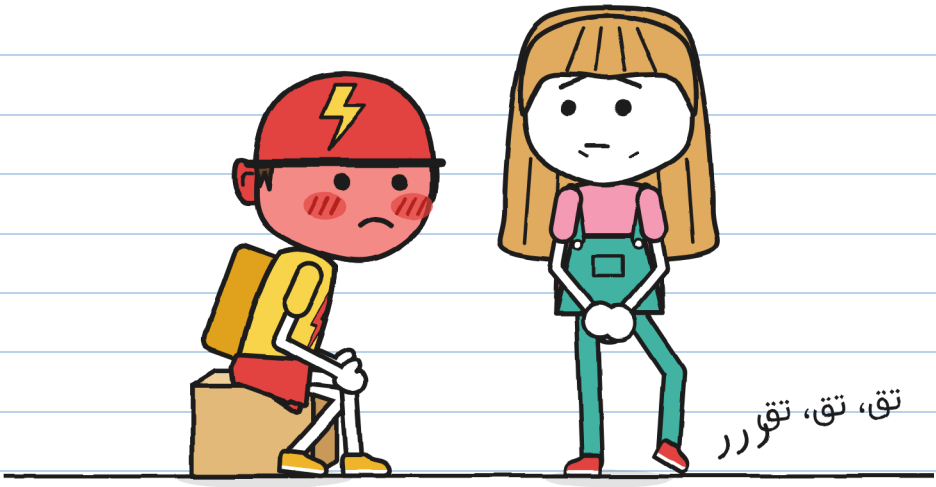


فقط یک سؤال بود. سؤال‌ها قصه را هل نمی‌دهند. — خ.

این یکی، چرا.

تونیو، در حالی که به کفش‌هایش نگاه می‌کرد، گفت: «من بودم. وقتی کوچک بودم.»
آن‌قدر آهسته گفت که قورباغه بهتر از من شنید.

خولیتا دهانش را باز کرد. سؤال‌هایش را دیدم که صف بسته بودند. بعد به تونیو نگاه کرد، که هنوز به کفش‌هایش نگاه می‌کرد، و دهانش را بست.



خولیتا گفت: «دیگر نمی‌پرسم.»
برایش سخت بود. از پایش معلوم بود.

سؤال‌هایی که نپرسیدم، نه تا. یادداشتشان کرده‌ام. — خ.

از مارا پرسیدم: «پس چرا هیچ‌وقت آن را به او نرساندید؟»
«دوازده بار بردمش. به برچسب نگاه کنید: نه خیابان، نه پلاک، نه نام خانوادگی. با همهٔ تونیوهای کوچولویی که پیدا کردم امتحان کردم.»

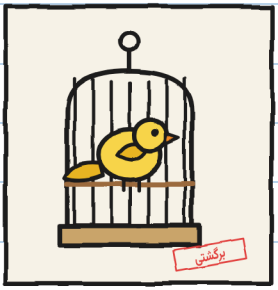
تونیوهای کوچولوی مارا



. یک قایق کانال.۳
(دست ندارد.)



. آقای آنتونیو، ۷۱ ساله.۲
(«کاش بودم».)

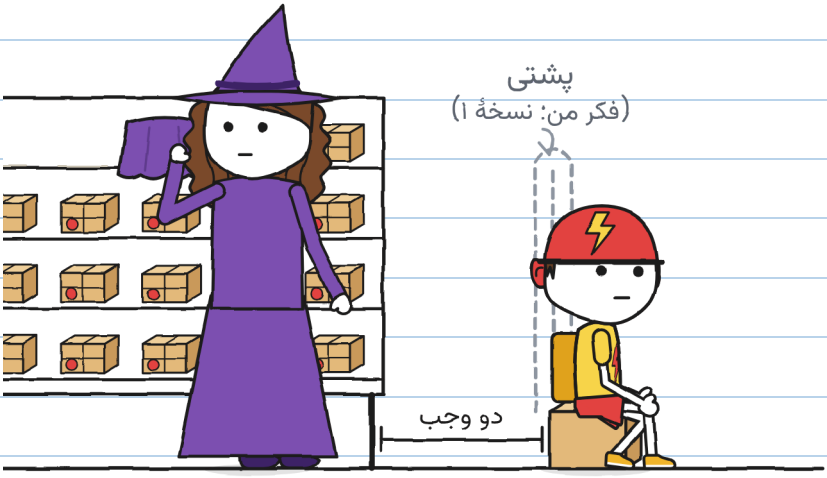


. یک قناری.۱
(روی برچسب پا گذاشت. قبول نیست.)

خولیتا پرسید: «و تونیو؟»
مارا، در حالی که به او نگاه می‌کرد، گفت: «آخرین باری که امتحان کردم هنوز او را نمی‌شناختم. و کسی هم به من نگفت وقتی کوچک بود چه صدایش می‌کردند.»

مارا از زیر پیشخوان یک پارچهٔ بنفش درآورد و روی شمارهٔ ۳ انداخت، مثل کسی که قفس طوطی را می‌پوشاند تا بخوابد. بعد جعبهٔ تونیو را دو وجب از قفسه دور کرد.

«این‌طوری. حالا هر قدر بخواهی می‌توانی تکان بخوری.»



تونیو می‌توانست برود. دوچرخه‌اش دم در بود: در ده دقیقه می‌توانست آن سر محله باشد.

دوباره نشست.

نمی‌دانم چرا. به‌هرحال یادداشتش می‌کنم. و چون جعبه‌اش پشتی ندارد، برایش یکی کشیده‌ام.

کسی از تو پشتی نخواسته. — خ.

موقع بستن مغازه، تونیو آخرین نفر ماند و بند کلاه ایمنی‌اش را می‌بست.
«مارا. فردا می‌آیم دربارهٔ این موضوع حرف بزنم. ولی خصوصی.»
«این دو نفر مال مغازه‌اند.»
تونیو به ما نگاه کرد.
«این دو، باشد. ولی هیچ‌کس از برق‌آسا نه.»



صدای دینگ دیگر صاحب داشت. فقط معلوم نبود صاحبش آن را می‌خواهد یا نه.

من الان می‌دانم چطور کلکش کنم. — خ.

این همان چیزی است که نگرانم می‌کند.

یک داستان، شش اندازه

شش اندازه هست، از 3 تا 16 سال، و بیش از 20 زبان. XXS و XS و S و M و L صفحه‌ها و تصویرهای یکسان دارند. XL یک رمان است. فقط طرز تعریف کردن داستان فرق می‌کند.

اندازه XXS · PRE-A1
مارا و تونیو می‌خندند. دوچرخهٔ قرمز را می‌بینی؟

اندازه XS · A1
مارا تقریبا خندید. تونیو هم خندید. از شنبه ندیده بودم بخندد.

اندازه S · A2
مارا صدایی درآورد، تقریبا یک خنده. تونیو هم خندید. از شنبه ندیده بودم بخندد.

اندازه M · B1
مارا صدایی درآورد. شبیه یک خنده بود. تونیو هم خندید. از شنبه ندیده بودم بخندد.

اندازه L · B2
مارا صدایی درآورد که اگر کس دیگری درمی‌آورد، خنده بود. تونیو هم خندید. از شنبه ندیده بودم بخندد.

اندازه XL · B2-C1
رمان مصور ۰ ۱۳+

سطح‌ها طبق چارچوب مرجع مشترک اروپایی تقریبی‌اند.

هر کس در اندازهٔ خودش. همان دینگ. — خ.

برای خانواده‌ها و معلمان

هر فصل را در linguaula.com تمرین کن